

نقش موقوفات اصفهان در تکافل اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی

مجتبی شیخی ده‌آبادی / دانشجوی دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

msheikhy97@chmail.ir

سیدمحمدکازم رجایی / دانشیارگروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

smk_rajaee@yahoo.com

پذیرش: ۹۴/۷/۱۹

دریافت: ۹۳/۱۰/۱۷

چکیده

وقف دارای کارکردهای مختلفی از جمله تکافل اجتماعی نیازمندان است و به‌منزله ابزاری کارآمد برای توانمندسازی و کاهش بار تکافل اجتماعی، قابلیت توانمندسازی و پوشش بخش قابل توجهی از نیازهای نیازمندان را دارد. نقش وقف در تکافل در چهار محور مذکور به نحو مؤثری قابل ارتقا است.

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی درصدد تبیین چگونگی نقش موقوفات شهر اصفهان در تکافل اجتماعی و شناخت کاستی‌ها و مزیت‌های موقوفات تکافلی این شهر است.

مطالعه تاریخ اصفهان نشان می‌دهد که سهم موقوفات تکافلی توانمندساز در تاریخ این شهر قابل توجه بوده است. نیات وقف در اصفهان از گستردگی در زمینه‌های مختلف حکایت دارد. آمار موجود نیز بیانگر اهمیت اوقاف تکافلی در نزد واقفان بوده و همچنین بررسی نیازهای فعلی جامعه در بخش تکافل، کمبود ویژه‌ای را در زمینه اشتغال و درمان نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: وقف، تکافل اجتماعی، توانمندسازی.

مقدمه

قرآن کریم می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً» (کهف: ۴۶)؛ مال و فرزندان زیور زندگی دنیايند، و نيکي‌هاي ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر اميد [نيز] بهتر است.

امام صادق عليه السلام نيز مي‌فرمايند: «لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنْ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ وَ سُنَّةٌ هَدَى سَنَهَا فَهِيَ يَعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ» (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۶)؛ هر کس پس از مرگش هيچ پاداشي به او نمي‌رسد، مگر از سه ويژگي: صدقه جاريه‌اي که در زمان حياتش داده است که بعد از مرگش جريان دارد، روش و سنت هدايتي که پايه گذاري کرده است و پس از مرگش به آن عمل شود يا فرزند صالحي که براي دعا کند.

اسلام عزيز حل مشکل معيشت مردم را در درجه اول در گرو پي‌ريزي نظام اقتصادي صحيح و عادلانه مي‌داند تا در نتيجه آن، اکثريت افراد قادر به «تدارک خصوصي» نيازهاي معيشتي خويش باشند و گستره اقدامات حمايتي خاص به حداقل کاهش يابد؛ اما در عين حال، با دادن آزادي‌هاي منطقي به افراد و از طرفي تفاوت استعدادها، به‌ناچار گروه اندکي از جامعه، از تأمين نيازهاي خود بازخواهند ماند. اينجاست که نقش نهادهاي همچون تکافل عمومي در کنار تضامن دولتي مطرح خواهد شد و تکافل اجتماعي نقشي بسيار مهم در حل مشکلات معيشتي مردم ايفا خواهد نمود.

تکافل اجتماعي يکي از دستورات اساسي دين مبين اسلام و يک برنامه کلان اجتماعي است و در قرآن و روايات بسيار بر آن تاکيد شده است. قرآن کریم با عناوين متعددي مانند: انفاق، زکات، صدقه، اطعام، قرباني،

کفارات، ايتاء‌المال، اعطاء‌المال، صلّه رحم، وصيت، تعاون على البر، ماعون (ر.ک: طباطبائي، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۶۸)، احسان، الحق‌المعلوم، حق‌الحصاد (ر.ک: مکارم شيرازي، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۴۰۴)، قرض‌الحسنه، ايتار و... و شيوه‌هاي متنوعي مانند: وعده پاداش‌هاي اخروي، بيان آثار و برکات دنياوي، انذار نسبت به عواقب ترک انفاق، استفاده از عواطف فاميلي، قومي و انساني، تحريک حس نوع‌دوستي و... بارها انسان را به اين امر فراخوانده است.

ضرورت کمک به نيازمندان در جامعه اسلامي و بخصوص توانمندسازي آنان و از طرف ديگر، کارآمدی ابزاري مانند وقف که مي‌تواند توانايي فوق‌العاده‌اي را در جامعه اسلامي ايجاد نمايد، و چگونگي نقش موقوفات اصفهان در انجام اين هدف، ضرورت چنين تحقيقي را ايجاب مي‌نمايد و خلأ موجود در اين زمينه، راه کارهاي توانمندسازي با استفاده از ابزار وقف مي‌باشد. بر اساس شواهد تاريخي، وقف مي‌تواند نقشي محوري در بهبود شاخص‌هاي توانمندسازي نيازمندان (با تأثير بر ايمان، تقوا، آموزش، مهارت، اشتغال، بهداشت و درمان نيازمندان) ايفا نمايد؛ بنا بر اين، يکي از ابزارهاي مهم و کارا در حل مشکلات معيشتي مردم از گذشته تا به حال، ابزار وقف مي‌باشد و با توجه به وظايف فراوان دولت‌ها و ناتواني از حل تمامی مشکلات، نقش وقف در تأمين نيازهاي نيازمندان و همکاري با دولت در تکافل نيازمندان بسيار مهم است. اين در حالي است که تا به حال در پژوهش‌ها به جنبه توانمندسازي وقف و شاخص‌هاي توانمندسازي آن کمتر پرداخته شده است.

در اين تحقيق پس از بررسي تاريخچه موقوفات تکافلي توانمندساز در اصفهان، نقش موقوفات اصفهان را

ثانیاً، به جنبه توانمندسازی آن بیشتر توجه می‌نماید و شاخص‌های توانمندسازی نیازمندان را در بین کارکردهای وقف به جست‌وجو می‌نشیند و درصدد بررسی وضعیت فعلی این کارکردها و تقویت آنها برمی‌آید، درحالی‌که در تحقیقات گذشته به رابطه وقف و تکافل و همچنین به رابطه آن با توانمندسازی کمتر پرداخته شده است.

نقش وقف در تکافل اجتماعی

شهید صدر در تعریف تکافل اجتماعی چنین بیان می‌نماید: «تکافل عمومی همان کفالت و سرپرستی افراد است که اسلام آن را بر مسلمین، به حد کفایت واجب نموده است. و این کفالت را بر هر مسلمانی به اندازه ظرفیت و امکاناتش واجب قرار داده است که در هر حال بر او واجب است تا آن کفالت را انجام دهد، همان‌طور که سایر واجباتش را انجام می‌دهد» (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۶۲). این تعریف تنها جنبه الزامی تکافل را در نظر گرفته است، درحالی‌که تکافل اجتماعی جنبه‌های الزامی و غیرالزامی را دربر می‌گیرد و نگارنده هر دو جهت را در مفهوم تکافل اجتماعی مدنظر دارد.

برای تبیین مفهوم توانمندسازی نیز لازم است ملاک‌ها و معیارهای توانمندسازی را بیان نماییم. ملاک‌ها و معیارهای توانمندی نیازمندان به شرح ذیل می‌باشد:

۱. فرد، اشتغال مناسب داشته باشد.
 ۲. از تغذیه و پوشاک مناسب برخوردار باشد.
 ۳. سرپناه مناسب (اعم از استیجاری یا ملکی) داشته باشد.
 ۴. آموزش و بهداشت و درمان او در حد مناسبی باشد.
- اگر شخصی موارد فوق را دارا باشد توانمند محسوب خواهد شد. البته اگر فردی موارد اول و چهارم را در حد

در تکافل با تمرکز در چهار کارکرد از کارکردهای وقف (ارتقای ایمان و تقوا، آموزش و مهارت، اشتغال و کارآفرینی و بهداشت و درمان) به بحث خواهیم گذارد. همچنین آمار فعلی موقوفات تکافلی توانمندساز را بررسی خواهیم نمود و درصدد شناخت کمبودها در زمینه‌های چهارگانه برخوردار خواهیم آمد.

در خصوص وقف از نظر فقهی و حقوقی کتاب‌های متعددی نگاشته شده است، اما در مورد رابطه آن با تکافل اجتماعی، نگارنده به کتب معدودی دست یافته است که از جمله آنها می‌توان به کتاب *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن* (۱۳۷۰)، نوشته مصطفی سلیمی فر اشاره کرد که در بخشی از صفحات فصل پنجم خود، بحث نسبتاً جامعی را در حوزه وقف و تکافل اجتماعی ارائه داده است. همچنین کتاب *وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی* (۱۳۸۰)، از محمدحسن حائری یزدی، نیز در بخشی از عناوین خود به این حوزه پرداخته است. در این موضوع، مجلات مفیدی نیز مانند مجله «میراث جاویدان» با موضوعات متنوع تاریخی، فقهی، کارکردی در چندین شماره، به چاپ رسیده است.

در زمینه موقوفات اصفهان کتاب‌های ارزشمند فراوانی موجود است که از جمله آنها *تاریخچه اوقاف اصفهان* (سپنتا، ۱۳۴۶)، *اصفهان دارالعلم شرق (مهدوی، ۱۳۸۶)* و *سفرنامه شاردن* (شاردن، ۱۳۷۲) می‌باشد. همچنین مقالاتی مانند «وقف در اصفهان، پراکندگی جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن» (ثقفی، ۱۳۷۶)، به تبیین تاریخچه و وضعیت فعلی برخی از موقوفات اصفهان پرداخته است.

تحقیق حاضر از چند جهت مکمل تحقیقات سابق است. اولاً، به رابطه وقف و تکافل و تبیین کارکردهای مرتبط با تکافل از بین کارکردهای متنوع وقف می‌پردازد و

شأن و نیاز خویش دارا باشد، فی نفسه می تواند به موارد دیگر دست یابد. بنابراین ملاکها و معیارهای توانمندی را در دارا بودن اشتغال، آموزش و بهداشت و درمان مناسب خلاصه نموده و موقوفات در راستای این سه کارکرد را موقوفات توانمندساز می دانیم. موقوفات عبادی و فرهنگی نیز از جهات مختلف (که خواهد آمد) تقویت کننده موقوفات توانمندساز محسوب می گردد. بنابراین، هر گام در جهت تحقق یکی از این موارد را می توان گامی به سوی توانمندسازی نیازمندان محسوب داشت.

تاریخچه موقوفات شهر اصفهان

شهر اصفهان در مقام مقایسه با سایر شهرهای ایران، موقوفات بی شماری دارد و بسیاری از بناهای عام المنفعه و اجتماعی بزرگ شهر اصفهان، جزو موقوفات است. از این رو، آثار خود را در ساخت و بافت شهر و معابر عمومی آن به وضوح بر جای گذاشته، به طوری که حتی گاه مشکلاتی برای طراحان و برنامه ریزان شهری پدید آورده است. توسعه شهر اصفهان نیز با موقوفات ارتباط تنگاتنگی داشته است. از تعداد ۱۵۷ محله اصفهان، ۳۱ محله به نام شخصیت های معروف نام گذاری شده است و اغلب آنها اسامی واقفان را بر خود دارند. هسته های اصلی محلات شامل مساجد، حمام ها، بازارچه، حسینیه، کاروان سراها، سقاخانه و چاه آب را معمولاً اشخاص توانگر وقف می نمودند و از درآمد واحدهای اقتصادی مخارج نگهداری همین بناها را تأمین می کردند. در این شهر، موقوفات مهم همچون مسجد، کاروان سرا، مدرسه، حمام و بازارچه به صورت مجتمع در کنار یکدیگر و اغلب در بخش تجاری شهر قرار گرفته اند که معرف اندیشه های منطقی، اقتصادی و اصولی ساخت شهر در گذشته بوده است.

شهر اصفهان با داشتن آثار باستانی متعدد و بی نظیر، در

میان شهرهای ایران شاخص و متمایز است. متجاوز از ۲۷۳ اثر باستانی ثبت شده مهم و بارز در این شهر وجود دارد که قسمت اعظم آن را موقوفات تشکیل می دهد. صدها مسجد، مدرسه، کاروان سرا، حمام، دارالشفاء، کتابخانه، مکتب خانه، آب انبار، خانقاه، راه و رباط در سطح شهر به وجود آمده اند (شفقی، ۱۳۷۶، ص ۳۲ و ۴۵).

آنچه راجع به اوقاف عصر اسلامی روشن است، از دوران آل بویه (در قرن چهارم) و سلجوقیان به بعد می باشد. ولی این دلیل نیست که قبل از آن در اسلام بناهای وقفی وجود نداشته یا کم بوده است (سپنتا، ۱۳۴۶، ص ۲۷)، بلکه خبر چندانی از آنها در دست نیست.

هرچند در دوران دیلمیان و سلجوقیه که اصفهان به عنوان مقر حکومت (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۴۳) انتخاب شده بود، وقف در اصفهان رونق خوبی داشته است (مافروخی، بی تا، ص ۸۳؛ آوی، ۱۳۸۵، ص ۸۰؛ سپنتا، ۱۳۴۶، ص ۲۹ و ۳۱؛ شهایی، ۱۳۴۳، ص ۲۵)، اما وقف در زمان تیموریه و پس از آن در زمان صفویه به منتها درجه رسید. این رقابت در خاندان صفوی تا حدی پیش رفت که بنا بر مشهور، در اواخر این دوره در نواحی و اطراف شهر بزرگ اصفهان، دیگر زمین و ملک غیروقفی باقی نمانده بود (شهایی، ۱۳۴۳، ص ۶).

قرن دهم و یازدهم هجری قمری، دوران شکوفایی و توسعه موقوفات شهر اصفهان بوده است. بنا بر نقل شاردن، اصفهان در عصر صفویه، ۱۶۲ باب مسجد، ۴۸ باب مدرسه، ۱۸۰۲ باب کاروان سرا و ۲۷۳ باب گرمابه (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۵۸۴) داشته است، در حالی که اصفهان در آن دوران، ۳۸۲۰۰ تا ۳۸۳۸۰ خانه (همان، ص ۱۳۹۰) داشته است. با نسبت گذاری بین این ارقام، نتایج جالبی به دست می آید. این نسبت را بین تعداد موقوفه و میانگین تعداد منزل برقرار می کنیم.

افغان‌ها با فتوای علمای خود مبنی بر رافضی خواندن مردم و مفتوح‌العنوه دانستن اصفهان، املاک و اراضی وقف را به تصرف درآورده و وقف‌نامه‌ها را از بین بردند. همچنین بسیاری از املاک را به زمین موات تبدیل کرده و قنات‌ها را انباشتند و مغازه‌ها، مستغلات و کاروان‌سراها را خراب کردند. بعدها نادرشاه افشار نیز به بهانهٔ مقابله با جنایات افغان‌ها و تأمین هزینه‌های لشکر، قسمت‌هایی از اوقاف را جزء خالصه درآورد. در اواخر دوران نادرشاه نیز بلیه تازه‌ای پیش آمد و استملاک موقوفات بسیار معمول شد (همان، ص ۳۳۹-۳۴۲)، چنان‌که برخی در این‌باره می‌نویسند: «دفتری ابتر مرکب از رقبه افغانی و وقفی به نام رقبه نادری نوشتند. صدرالملک و متولی موقوفات و برادر امام جمعه را پا بر فلک نهاده از ضرب چوب بکشتند و در این باب به حدی به جد بود که روزی در مسجد شاه به پا ایستاده و فرمود کتیبه موقوفاتش را حک نمایند» (سپینتا، ۱۳۴۶، ص ۳۴۳؛ جابری انصاری، ۱۳۲۱، ص ۳۸).

البته در دوران کوتاه کریم‌خان زند (متوفای ۱۱۹۳) مجدداً اوقاف ایران در حال سروسامان یافتن بود و به درآمد و مصارف موقوفات توجه می‌شد که با مدت کوتاه زمامداری وی بی‌نتیجه ماند (سپینتا، ۱۳۴۶؛ ارباب، ۱۳۶۸، ص ۲۷۷-۲۸۰). سه سال قحطی و وحشتناک سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۸ق در اصفهان نیز مزید بر علت شد و وضع موقوفات را نیز دچار بحران و خسارت نمود. در این مدت، موقوفات بسیاری معدوم و متولیان آن از گرسنگی جان دادند و متأسفانه تملیک موقوفات نیز از سوی افراد سودجو صورت پذیرفت (سپینتا، ۱۳۴۶، ص ۳۴۴).

در دورهٔ قاجاریه نه‌تنها توجهی نسبت به اوقاف اصفهان نشد، بلکه موقوفه‌خواران طی قریب یک قرن، میدان وسیعی برای تجاوز به موقوفات یافتند. به علاوه، مسافرت فتحعلی‌شاه با عده‌ای از قشون به اصفهان وضع

موقوفه	تعداد موقوفه به هر هزار منزل
مسجد	۴/۲۵
مدرسه	۱/۲۵
کاروان‌سرا	۴۷
گرمايه	۷

آمار فوق‌بدین معناست که در اصفهان عصر صفوی، در ازای هر هزار منزل، حدود چهار مسجد، یک مدرسه، ۴۷ کاروان‌سرا و هفت گرمايه وجود داشته است. این تعداد موقوفه، آمار بالایی برای پایتخت یک کشور که زمین‌ها در آن مرغوب و گران است، محسوب می‌گردد. از سلطنت شاه‌عباس به بعد، جهش خاصی برای توسعه موقوفات صورت گرفت. شاه‌عباس که سرمشق امرا و بزرگان بود، در سال ۱۰۱۵ق کل اموال خاصه خود در شهرهای مختلف ایران را به چهارده قسمت تقسیم و هر قسمتی را بر یکی از چهارده معصوم وقف کرد. وقف‌نامه مزبور را شیخ بهایی نگاشت (سپینتا، ۱۳۴۶، ص ۴۱ و ۴۴). از جمله بناهای خیر و موقوفات شاه‌عباس در اصفهان، می‌توان به مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله، حمام‌ها، کاروان‌سراها، مدرسه، دارالشفاء، قیصریه، عمارت دولت‌خانه، شهر عباس‌آباد و باغ‌ها و رباط‌های مختلف و بازار دور میدان نقش جهان اشاره کرد (همان، ص ۴۷ و ۶۴). نکات جالب توجه درباره اوقاف دوران صفوی عبارتند از: نظارت عالیه علما در امور شرعی و اوقاف (همان، ص ۳۲۴)، جدایی دفاتر مالیات از دفاتر اوقاف و خرج هریک در موارد خود (همان، ص ۳۲۷) و نظارت عالی شاه بر متولیان وقف و بازرسی مخفی از آنها و برکناری و مجازات شدید خاطیان و گاه حتی کشتن مأموران خطاکار عالی‌رتبه (همان، ص ۳۲۸).

پس از حمله و استیلای افغان (۱۱۳۰-۱۱۴۲ق)، برای اولین بار لطمهٔ بزرگی به وقف در اصفهان وارد آمد.

اوقاف اصفهان را مغشوش ساخت. در دوره ناصرالدین شاه نیز یاغی‌گری‌ها در اصفهان، بسیاری از اراضی اصفهان از جمله زمین‌های وقفی را به مخروبه و ارض موات تبدیل نمود. در چنین دوره‌ای بود که یکی از فرزندان توانای اصفهان، صدر اصفهانی (۱۱۷۴-۱۲۳۹ق) در شهر نیمه‌ویران اصفهان بپاخاست و موقوفات وسیع و اعمال خیر او در ایران و در نجف و کربلا زبانزد عموم شد (همان، ص ۳۹۷). آثار باقی‌مانده از او در اصفهان عبارتند از: سه باب مدرسه واقع در پاقلعه، فتح‌آباد و بازار، تکیه و قلعه در بلوک علیای جرقویه اصفهان و دیه‌هایی که به اوقاف صدر مشهور است، چهارباغ صدر و عمارت صدری جنب چهل ستون (همان، ص ۴۰۴).

در دوران پهلوی متأسفانه با تصویب قانون اصلاحات اراضی، الحاق سازمان اوقاف به نخست‌وزیری و همچنین تصویب قانون فروش اراضی و آب موقوفات به ترتیب در سال‌های ۴۰، ۴۵ و ۵۰، بسیاری از موقوفات تخریب و یا وقفیت خود را از دست دادند. اما در دوران جمهوری اسلامی اقداماتی همچون فرمان امام خمینی علیه‌السلام مبنی بر اینکه باید کلیه موقوفات به حال وقفیت برگردند، مصوبه شورای انقلاب مبنی بر ابطال اجارات ۹۹ ساله موقوفات و تصویب قانون ابطال موقوفات فروش‌رفته موجب احیای وقفیات گردید (کائینی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

چنان‌که از مطالعه تاریخ موقوفات اصفهان روشن شد، غالب موقوفات آن، در ادوار مختلف تاریخ، موقوفات تکافلی (فرهنگی، آموزشی، اشتغال و درمانی) بوده است که قابلیت استفاده از آنها در راستای توانمندسازی جامعه و بخصوص نیازمندان وجود داشته است.

تعداد و پراکندگی جغرافیایی موقوفات فعلی اصفهان

بنا بر جدیدترین آمار در سال ۱۳۹۳، تعداد کل موقوفات ثبت‌شده در سامانه جامع اطلاعات استان اصفهان بالغ بر

۱۳ هزار و ۵۰۰ مورد (اداره کل اوقاف اصفهان، ۹۳) و تعداد رقبات ثبتی ۴۳ هزار رقبه می‌باشد (همان، ۹۳)، این در حالی است که تنها در یک مورد در شهرستان لنجان وقفی به ارزش هفت میلیارد تومان ثبت گردید که به عنوان بزرگ‌ترین وقف سال ۱۳۹۳ لقب گرفت (همان، ۹۳). در سال ۱۳۹۳ تعداد ۷۷ وقف به ارزش هشت میلیارد تومان در استان اصفهان به ثبت رسیده است. همچنین در ۱۱ ماهه اول سال ۱۳۹۲ تعداد موقوفات جدید ۵۵ وقف به ارزش ۱۶ میلیارد و ۱۱۸ میلیون تومان بوده است (راز ماندگاری، ۱۳۹۲، ب).

مطالعه نقشه پراکندگی جغرافیایی موقوفات مهم شهر اصفهان نشان می‌دهد که بافت‌های قدیمی شهر دارای موقوفات بیشتری هستند و به نسبت قدمت محلات، بر تعداد موقوفات افزوده می‌شود، ولی بافت‌های جدید شهری، موقوفات کمتری دارند. ضمناً، بخش بازار اصفهان دارای تراکم موقوفات بیشتری است که اغلب آنها را مراکز مذهبی مانند مساجد، مدارس، امام‌زاده‌ها، مقبره‌ها و تکایا تشکیل می‌دهند. بخش جنوبی شهر به واسطه سکونت ارامنه در آن، که از عصر صفویه مسکونی شده، دارای موقوفات کمتری است (شفقی، ۱۳۷۶، ص ۳۳).

از آنجاکه یکی از کارکردهای وقف را «تحقق تکافل اجتماعی و توانمندسازی نیازمندان»، در چهار حوزه ارتقای ایمان، آموزش، اشتغال و بهداشت و درمان دانستیم، در ادامه به نقش وقف در این چهار زمینه و بررسی موقوفات اصفهان در این چهار مورد می‌پردازیم.

موقوفات توانمندساز اصفهان در جهت تکافل

اجتماعی

الف. موقوفات با کارکرد آموزش

یکی از عوامل فقر، نداشتن علم و مهارت است. بی‌سوادی منشأ بسیاری از مشکلات، و علم یکی از

داشت؛ با کاشتن نهال، خرمتان ده برابر خواهد شد و با آموزش مردم، محصولتان صد برابر خواهد بود» (لیونگستون، ۱۳۶۸، ص ۹).

مسلمانان از قرن دوم، طلایه‌داران علم و فرهنگ بوده‌اند. قسمت عمده‌ای از موقوفات آن دوره به رشد شاخه‌های مختلف علوم اختصاص یافت (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰، ص ۱۵۶). ده‌ها و صدها مدرسه در جهان اسلام تأسیس گردیدند، و دانشگاه‌های معروف و مهم و کتابخانه‌های بزرگ و وقفی که بعضی از آنها صدها هزار مجلد کتاب‌های علمی را دربر داشتند، به وجود آمدند (الجمال، ۲۰۰۶، ص ۱۴۳). امروزه در کشورهای اسلامی شاید نتوان محقق و دانشمندی پیدا کرد که بتواند ادعا کند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، مدیون همان مدارس یا کتابخانه‌های وقفی و موقوفات آنها نبوده است. نکته جالب توجه دیگر امکانات جانبی آنهاست. برای مثال، برخی از کتابخانه‌های مصر از درآمد موقوفات آن، امکاناتی همچون حمام مخصوص برای طالبان علم، بیمارستان و طبای مخصوص برای درمان آنها و غیره قرار داده بودند (ر.ک: همان، ص ۱۴۶؛ حائری، ۱۳۸۰، ص ۴۲۷-۴۲۹؛ معراجی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶-۲۴۰).

شهر اصفهان نیز یکی از مراکز مهم علمی اسلامی است که از همان قرن‌های اولیه اسلام به عنوان «دارالعلم شرقی» در تاریخ و فرهنگ اسلامی معروف بوده است. شخصیت‌های بارز علمی و چهره‌های ادبی و تاریخی (ر.ک: مافروخی، بی‌تا، ص ۲۹؛ آوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶)، چون ابوالفرج اصفهانی، حمزه اصفهانی، حافظ ابونعیم اصفهانی، راغب اصفهانی و ابوالواضح یعقوبی از این شهر برخاسته‌اند. همچنین این شهر به داشتن مساجد کهن و مراکز متعدد علمی اشتهار داشته است. وزیر ادیب و دانش‌دوست مانند صاحب‌بن عباد (۳۲۶-۳۸۵) و ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸) سال‌ها در این شهر کرسی وزارت و مجلس

زیربنای پیشرفت است و در پرتو آموزش علوم و فنون، افکار و اذهان به شکوفایی رسیده و مقدمه‌ای برای رفاه و آسایش بیشتر جامعه و استفاده صحیح از مواهب الهی است. وقف برای احداث مدارس، مکتب‌خانه‌ها و کتابخانه‌ها، خرید کتاب و کمک هزینه تحصیلی، تأمین نیازهای ضروری مثل خوابگاه و ابزار کمک آموزشی لازم و نیز وقف برای حرفه‌آموزی و امثال آن می‌تواند نقش بسیار مؤثری در تکافل نیازمندان ایفا نماید، بخصوص اگر با در نظر گرفتن ملاک‌هایی، افراد نیازمند گزینش گردند. همچنین رشد علم در جامعه، موجب افزایش امکانات و کاهش ناتوانی‌های اجتماع و در نتیجه، توانمندسازی جامعه خواهد بود. اما جامعه غیرپیشرو در علم، همیشه به دیگران وابسته است.

آموزش و پرورش فعالیت‌های است که: ۱. حرفه‌ای را به مردم می‌آموزد و توسعه مهارت افراد را باعث می‌شود؛ ۲. درآمد افراد را بیشتر می‌کند؛ ۳. خالق قابلیت و باعث شکوفایی استعدادهاست؛ ۴. موجب تشکیل و انباشت سرمایه انسانی است؛ ۵. می‌تواند بر نظام عادلانه توزیع ثروت تأثیر داشته باشد (سلگی، ۱۳۷۲، ص ۸۲). در اهمیت وقف در زمینه علم و فناوری می‌توان به سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری نیز اشاره نمود. معظم‌له در بند ۷-۵ از این سند، یکی از سیاست‌های لازم به پیگیری در آینده را افزایش نقش و مشارکت بخش‌های غیردولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقای سهم وقف و امور خیریه در این حوزه دانسته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳). همچنین کوان تسو از اندیشوران برجسته کشور چین در قرون سوم و چهارم قبل از میلاد می‌گوید: «اگر به سال آینده می‌اندیشید، بذر بپاشید؛ اگر به ده سال آینده فکر می‌کنید، نهالی بنشانید و اگر در فکر صد سال آینده هستید، به آموزش و پرورش مردم پردازید. با کاشتن بذر، یک بار خرمن بر خواهید

که به مسجد امام (شاه) نسبت می‌دهند، تعداد طلبه آن را ۳۷ نفر و شمار مدرسان آن را ۱۱ نفر تعیین کرده است. اداره مدارس نیز در این وقف‌نامه پیش‌بینی شده بود، به گونه‌ای که خدمه و عمله آن به ۴۳ نفر می‌رسید که شغل مؤذن، چراغچی، کفش‌دار، فراش، مشعل‌دار، سقا، آب‌کش، دربان و ابریق‌دار را داشته‌اند (سپنتا، ۱۳۴۶، ص ۵۸-۷۳). مشاغل فوق برای ما روشن می‌کند که یک مسجد بزرگ با مدرسه‌ای در جوارش، چه مشاغلی را ایجاد می‌کرده است. از اقدامات مهم و قابل توجه، واگذاری ۸۲۵ هزار مترمربع زمین به دانشگاه صنعتی اصفهان در سال ۱۳۴۶ و دو میلیون مترمربع از اراضی نزدیک نجف‌آباد و همچنین معادل ۲۱ حبه از ۷۲ حبه از املاک روستای باغ ابریشم در لنجان به این دانشگاه است (شفقی، ۱۳۷۶، ص ۴۰). بعد از انقلاب، مدارس وقفی در اصفهان روند خوب و مناسبی دارد. بنا بر گزارش آماری سازمان اوقاف در سال ۱۳۶۴، تعداد مدارس علوم دینی اصفهان ۴۹ واحد آموزشی و تعداد اتاق‌های مدارس ۱۱۳۳ باب و تعداد طلاب در حال تحصیل ۳۵۸۶ نفر است (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰، ص ۹۸-۹۷). آمار ساختمان‌ها و زمین‌های وقفی و واگذار شده به اداره کل آموزش و پرورش اصفهان نیز در سال تحصیلی ۷۰-۷۱ به قرار ذیل است:

نوع مرکز آموزشی	تعداد ساختمان	تعداد اتاق
آموزش کودکان استثنایی	۱	۱۳
دوره آمادگی	۷	۳۴
دوره ابتدایی	۵۹	۵۹۶
دوره راهنمایی	۳۲	۴۵۰
دوره متوسطه	۲۰	۳۸۷
آموزش فنی	۲	۶۸
آموزش حرفه‌ای	۲	۲۷
آموزش کشاورزی	-	-
امور تربیتی	۳	۱۶
سایر ساختمان‌های اداری	۵	۳۹
جمع کل	۱۳۱	۱۶۳۰

منبع: شفقی، ۱۳۷۶، ص ۴۰

درس داشتند. همچنین اصفهان در عهد صفوی کانون دانشمندان، فلاسفه و فقهای معروفی همچون شیخ بهائی، میرداماد، محمدباقر مجلسی، فیض کاشانی و صدرالمتألهین می‌گردد (وکیلان، ۱۳۷۶، ۱۰۲-۱۰۴).

مدارک تاریخی نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین مدرسه وقفی اصفهان به نام «علاءالدوله کاکویه» در قرن چهارم در محله دردشت بنا شده بود و ابن‌سینا برای مدتی کوتاه مدرس آن مدرسه بوده است و از دوران سلجوقه تا پیدایش صفویه، مدارس متعدد دیگری در اصفهان وجود داشته است (ر.ک: مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

در مدارس شهر اصفهان، علوم متداول عصر مانند ریاضیات، هندسه، نجوم، فیزیک و مثلثات، نیز تدریس می‌شده است و به‌ویژه، آثار خواجه نصیرالدین طوسی را در عصر صفویه تدریس می‌کرده‌اند. یکی از سیاحان آلمانی به نام کمپفر، با اشاره به شکوه و جلال مدارس عصر صفویه، اعتراف می‌کند: بنای فیزیکی آنها بر مدارس اروپایی برتری داشته است (انگلبرت، ۱۳۶۰، ص ۱۴۰). وی به حقوق معلمان عصر صفویه نیز حسرت می‌خورد و آرزو می‌کند که ای کاش به استادان آلمانی چنین حقوقی می‌پرداختند (همان، ص ۱۴۱). اکثر مدارس وقفی دارای یک کتابخانه عمومی و مجموعه‌ای از ابزار نجومی بوده است. اغلب در عقب مدرسه باغ میوه یا گرمابه عمومی و با سایر تأسیسات برای استفاده ساکنان مدرسه قرار داشته و عواید آنها به صندوق مدرسه واریز می‌شده است (همان، ص ۱۴۴). چنان‌که گذشت، شاردن مدارس اصفهان در عصر صفوی را ۴۸ مورد دانسته است؛ اما برخی دیگر، از ۱۱۵ مدرسه با ذکر جزئیات نام می‌برند که در عصر صفویه بنا شده است (مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۷-۳۸۲). از جمله مدارس زیبا و مهم این عصر، مدرسه چهارباغ (سلطانی) است (ر.ک: مطبوعه چی، ۱۳۹۲، ص ۷۹-۹۲؛ سپنتا، ۱۳۴۶، ص ۷۴-۱۱۱؛ ارباب، ۱۳۶۸، ص ۷۳). همچنین در وقف‌نامه‌ای

حرفه‌ای (زیرا هم تعداد این مدارس کمتر است و هم توانمندسازی در این مدارس بیشتر امکان‌پذیر است) با صدقات جاریه خویش حل کنند تا به پیشرفت هرچه بیشتر علوم و فنون که زیربنای پیشرفت و رفاه نیز می‌باشد کمک نمایند و با توانمندسازی محرومان، آنها را از ادامه کمک‌رسانی بی‌نیاز نمایند. از سوی دیگر، توان فایده‌رسانی کار خیر با امکان ورود افراد فوق به مجموعه خیرین، افزایش خواهد یافت.

ب. موقوفات با کارکرد اشتغال

یکی از زمینه‌هایی که از اوقاف می‌توان استفاده نمود مسئله اشتغال‌زایی است. بدون شک، اگر سرمایه عظیم اوقاف در مسیر فعالیت‌های گوناگون اقتصادی به کار گرفته شود، بخش قابل توجهی از بیکاران کشور به کار جذب خواهند شد و این از آثار و برکات بسیار مهمی است که امروزه در دنیا به شدت قابل توجه است.

در زمینه اشتغال می‌توان به طرق مختلف خدمات بزرگی به وسیله وقف انجام داد. برای نمونه، می‌توان اموالی را برای ایجاد اشتغال خانواده‌هایی که نیروی کار دارند، ولی ابزار و سرمایه لازم برای کسب درآمد و تهیه شغل برای خود ندارند، وقف نمود و یا با سرمایه‌گذاری اموالی، در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی و یا خدماتی کمک بزرگی به بالا بردن سطح اشتغال در جامعه کرد و نیز به قصه تلخ فقر و محرومیت خاتمه داد و این خانواده‌ها را به خودکفایی رساند. چنان‌که در داستان زیبایی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این نکته مشهود است؛ آنجا که مردی از اصحاب رسول خدا به خواست همسرش وارد بر پیامبر شد تا از پیامبر اکرم درخواست کمک کند. ناگهان با این گفته پیامبر مواجه شد: «هر کس از ما سؤال کند به او عطا کنیم و هر که بی‌نیازی جوید خدایش بی‌نیاز کند»، و تا

امروزه نیز تعداد قابل توجهی مدرسه موقوفه در اصفهان وجود دارد. مدیرکل اوقاف استان اصفهان در بیاناتی در سال ۱۳۹۰ تعداد مدارس موقوفه شهرستان اصفهان را ۳۵۵ مورد دانسته و می‌گوید: «در شهر اصفهان تعداد زیادی مدارس اوقافی در اختیار آموزش و پرورش قرار دارد و اداره اوقاف با برخی از این مدارس رابطه استیجاری دارد. آموزش و پرورش باید به وظیفه خود عمل کرده، اجاره‌بهای مدارس را بپردازد. به طور مثال مدرسه جنت از ۴۰ سال پیش تاکنون اجاره آن پرداخت نشده است. این در حالی است که میزان اجاره‌بهای مدارس موقوفه بسیار ناچیز است. موقوفات، نیت واقف دارند و درآمد و منفعت این وقف باید برای نیت واقف هزینه شود» (سایت سازمان اوقاف، ۱۳۹۰).

برای سنجش میزان تأثیر مدارس موقوفه در شهرستان اصفهان لازم است آماری از تعداد کل مدارس این شهرستان اعم از موقوفه و غیرموقوفه از سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ اصفهان ارائه شود (سایت مرکز آمار):

دوره تحصیلی	تعداد	حدود	خبر انقراض	استثنائی	آمادگی	پایانهای	راهنیای	موسسه	پیش دانشگاهی	از راه دور	شبانه	نیم حرفه- جمع
آموزشگاه	۳۰۰	۹۰	۴۴۸	۶۷۸	۴۳۴	۴۳۲	۳۳۰	۴۳	۵۲	۱۴	۲۸۱۱	

از مقایسه آمار فوق با تعداد مدارس موقوفه که هر دو مربوط به سال ۱۳۹۰ می‌باشند، مشخص می‌شود که حدود ۱۳ درصد مدارس شهرستان اصفهان موقوفه می‌باشند. به عبارت دیگر، واقفان در اصفهان حدود ۱۳ درصد از بار آموزشی این شهرستان را تقبل نموده‌اند.

علی‌رغم آمار نسبتاً قابل قبول در زمینه اوقاف آموزشی در اصفهان، همچنان به همت والای نیکوکاران نیاز مبرم است تا قدم به میدان گذاشته و مشکل فضاهای آموزشی کشور را بخصوص در مناطق محروم و کمتربرخوردار و به‌ویژه در جهت مدارس آموزش

کاروان سراهای شاه عباس را در ایران ۹۹۹ باب نوشته‌اند (سپنتا، ۱۳۴۶، ص ۲۴) و تاورنیه، سیاح فرانسوی، آنها را «مهمان‌خانه‌های مشرق‌زمین» می‌نامد (همان، ص ۲۳). میرسیدعلی جناب ۱۶۹ مورد از کاروان‌سراها و تیمچه‌ها را با ذکر نام و طول و عرض (مساحت) بیان می‌دارد (جناب، ۱۳۷۱، ص ۹۴-۹۷). این کاروان‌سراها از نظر عملکرد تجاری و اشتغال جمعیت، نقشی بس مهم در شکل‌پذیری اصفهان داشته و اغلب آنها موقوفه بوده است. در سال‌های اخیر نیز عملکرد این بناها تغییر پیدا کرده است و به صورت پارکینگ، انبار کالا و کارگاه‌های تولیدی به‌ویژه بافندگی درآمده‌اند.

در تاریخ اصفهان کاروان‌سراها، مدارس، بازارها، مغازه‌ها و... موقوفاتی با کارکرد اشتغال، محسوب می‌شوند. همچنین بسیاری از موقوفات در شهرستان اصفهان قابلیت بهره‌برداری در زمینه اشتغال را دارند؛ بنابراین، لازم است برنامه‌ریزان توجه خود را به این زمینه معطوف دارند. استفاده از موقوفات مخروبه و آبادانی و به‌کارگیری آنها در زمینه اشتغال و با تناسب با نیت واقف، می‌تواند راهکار مفیدی در این زمینه باشد که نمونه آن، استفاده از موقوفه‌ای در شهرستان فلاورجان است که نظر خوانندگان را بدان جلب می‌نمایم.

در شهرستان فلاورجان از استان اصفهان، موقوفه‌ای است که در آن بازارچه روز تشکیل شده است. در این بازارچه ۱۳ واحد تجاری که اقلام مصرفی خانواده‌ها را به فروش می‌رسانند وجود دارد و مستأجران واحدهای تجاری موظفند اقلام خود را با تخفیف به فروش برسانند و از طرفی، با راه‌اندازی این بازار ۱۰۰ نفر از افراد جویای کار دارای شغل و منبع درآمد برای خانواده خویش گردیدند. این بازار در زمین موقوفه‌ای که نزدیک به ۳۰ سال پیش برای مصارف بهداشتی و منافع عمومی وقف

سه بار همین کار را انجام داده و با همین صحنه مواجه شد. آن مرد یقین کرد که مقصود پیامبر اوست، لذا تیشه‌ای را عاریت گرفته و به دنبال جمع‌آوری هیزم از بیابان رفت. بعد از مدتی آن مرد از همین راه دو شتر و غلامی خرید و به تدبیر پیامبر ثروتمند، بی‌نیاز و خودکفا گردید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۹).

وقف از چند منظر اشتغال‌آفرین است که در ذیل، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ایجاد فرصت شغلی در نهادهای وقفی مثل کارگاه‌ها، مراکز صنعتی وقفی و...؛
۲. ایجاد شغل با استفاده از درآمد و عواید وقفی، تحت عنوان مساعدت بلاعوض یا وام (مطبعه‌چی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵).
۳. ایجاد فعالیت‌های گوناگون اقتصادی مانند اشتغال به کار کشاورزی و باغداری در زمین‌های بدون استفاده وقفی موجود در سراسر کشور؛
۴. ایجاد اشتغال با زمین‌های وقفی بدون استفاده و مخروبه در مراکز شهری، در قالب فروشگاه‌های زنجیره‌ای، مراکز تجاری، مغازه‌های اجاره‌ای، هتل و... که توسط اداره اوقاف با همکاری دولت تأمین مالی شده و افراد بسیاری در آنها مشغول کار گردند؛ بنابراین، دولت می‌تواند با استفاده از این سرمایه بزرگ اشتغال‌زایی فراوانی نماید (عسکری، ۱۳۹۰، ص ۷۷). چنان‌که در بند دوم از اصل ۴۳ قانون اساسی، «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند» (سامانه قوانین، ۱۳۵۸) از وظایف دولت به‌شمار آمده است.

چنان‌که گذشت، در عصر صفویه، به‌ویژه دوران شاه‌عباس اول، کاروان‌سراهای متعددی ساخته شد که تنها

در زمان شاه عباس نیز، محلی به نام «دارالشفا» در بخش بازار وجود داشته که یک نوع بیمارستان بدون وسایل و لوازم بوده است؛ عمارتی دو طبقه که قریب به هشتاد اتاق کوچک، اما زیبا را دارد و احتمالاً برای مریض‌های روانی از آن استفاده می‌شده است. شاه عباس آن را و کاروان‌سرای بسیار بزرگ مسگران را با هم بنا نمود تا عایدات کاروان‌سرا صرف بیمارستان شود. در این دارالشفا تجویزات طبیب، مخارج دارو و غذای بیماران از عواید موقوفات بوده است. کارکنان بیمارستان بدین شرح بوده‌اند: یک پزشک، یک داروساز، یک عالم دین، یک آشپز، یک دربان و یک جاروکش (شاردن، ۱۳۷۲، ص ۱۴۵۷-۱۴۵۸). اکنون متأسفانه تنها قسمتی از آن بر جای مانده که کمتر استفاده‌ای از آن می‌شود.

شاهزاده محمدحسین میرزا نیز، که در علم جراحی و طبابت مقام شامخی داشته، یک مریض‌خانه اسلامی در سال ۱۳۲۵ق، در یکی از محلات قدیمی شهر اصفهان به نام «گل‌بهار» در خانه میرزا عبدالحسین انصاری تأسیس نمود که گنجایش ۴۰ زن و مرد مریض را داشت. این بیمارستان در حقیقت با ظرفیت چهل تخت بیمارستانی به وسیله هیأتی اداره می‌شد و ۸ نفر از انسان‌های خیر و توانگر اصفهان مخارج آن را تأمین می‌کرده‌اند. همچنین انسان‌های خیر املاک را وقف آن کرده‌اند (شفقی، ۱۳۷۶، ص ۴۶).

برای بررسی وضعیت درمان و نقش موقوفات اصفهان در آن، به آمارهایی در این زمینه می‌پردازیم. از طرفی، در شهرستان اصفهان آمار بیمارستان‌هایی که ارتباطی با وقف و امور خیریه دارند در سال ۱۳۹۳ چنین است:

نام بیمارستان	امام خمینی (ره)	حجیه	زهرا مرضیه (س)	عسکریه	امیر المومنین	آیت الله صدوقی	سید الهی (ع)
تعداد تخت فعال	۳۲	۴۶	۱۰۶	۱۸۴	۱۰۰	۲۵۳	۱۲۹

شده و چند سالی متروکه مانده بود، ساخته شده است و از این طریق، یک موقوفه نیز احیا گردیده است (اداره کل اوقاف اصفهان، ۹۲).

ج. موقوفات بهداشت و درمان

بهداشت و درمان یکی از نیازهای ضروری هر جامعه‌ای است و نقش بسیار در رشد و شکوفایی جامعه دارد. از آنجاکه بیماری غیرقابل پیش‌بینی و ناگهانی است، بسیار اتفاق می‌افتد که یک بیماری هزینه‌های غیرقابل جبرانی به یک خانواده وارد و گاه به خاطر یک بیماری، خانواده‌هایی فقیر خواهند شد و از طرفی، غالباً بیماری‌های بزرگ توانمندی نیروی کار را از بین برده و رفع بیماری او یکی از موارد توانمندسازی محسوب خواهد شد. بنابراین، وقف در این زمینه را می‌توان یکی از مصادیق وقف در زمینه توانمندسازی و برگرداندن یک نیروی فعال به جامعه قلمداد نمود.

از آنجاکه طب و درمان یکی از نیازهای همیشگی به‌شمار می‌رفته است، واقفان بر این امر اهتمام داشته و مراکز درمانی، داروخانه‌ها و مدارس طبی زیادی را برای مسلمانان وقف کرده‌اند و خدماتی که این مراکز ارائه می‌دادند از قبیل درمان، اعمال جراحی، دارو و غذا تماماً به برکت اوقاف مسلمانان رایگان ارائه می‌گردیدند و در داخل بیمارستان‌های بزرگ، تدریس و بحث و گفت‌وگوهای علمی نیز برقرار بود. از این رو، یکی از آثار و نتایج اوقاف، پیشرفت علمی همچون طب در عالم اسلامی بود (الجمیل، ۲۰۰۶، ص ۱۴۹-۱۵۱).

از جمله بیمارستان‌های اصفهان در تاریخ اسلام، می‌توان به بیمارستان اصفهان در قرن چهارم (عیسی‌بک، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰ و ۲۰۵) اشاره کرد که بیمارستان مهمی بوده است.

مردم فعالیت می‌نماید. همچنین واگذاری یک قطعه زمین موقوفه به مساحت ۳۶۰۰ متر مربع برای احداث بیمارستان شهید صدوقی و قسمتی از عرصه فعلی بیمارستان سیدالشهداء نیز از جمله کمک‌های وقف به بیمارستان‌سازی می‌باشد (راز ماندگاری، ۱۳۹۲ الف). آمار درمانگاه‌ها را نیز می‌توان به طریق مشابه، بیشتر بررسی نمود.

موقوفات درمانی خدمت قابل توجهی به دولت و نظام نموده‌اند، اما با توجه به آمارهای فوق، روشن گردید که ورود واقفان در این امر بیش از مقداری که انجام پذیرفته است، لازم است و هنوز نیاز به موقوفات درمانی بسیار زیاد است. بنا بر آمار، درصد اشغال تخت در خیریه‌ها نزدیک به ۱۰۰ درصد است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۱۳). همچنین موقوفات درمانی هنوز ظرفیت قابل توجهی را در پیش‌روی دارند که با استفاده از ابزارهایی همچون اوراق وقف و استقبال قابل توجه مردم از این اوراق، می‌توان به مرور در هر استانی دست به انتشار اوراق وقف زد تا مردم خیر آن استان برای رفع مشکلات هم‌استانی‌های خویش، اقدام به خرید این اوراق نموده تا از محل وجوه جمع‌آوری شده بیمارستانی احداث و وقف نمایند و واقفان آن، از آثار و برکات آن صدها سال بهره‌مند گردند.

موقوفات تقویت‌کننده تکافل اجتماعی

موقوفات با قابلیت ارتقای ایمان و تقوا از جمله موقوفاتی است که می‌توان از آنها برای تقویت تکافل اجتماعی بهره‌برداری نمود؛ زیرا چنان‌که خواهد آمد، به صورت غیرمستقیم در تکافل اجتماعی نیازمندان مؤثر است.

شایان ذکر است که هدف اساسی و اصلی همه نظام‌های اسلام، از جمله نظام اقتصادی آن، کمال ابدی،

همچنین بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۲، برآورد جمعیت و تعداد تخت‌های بیمارستانی کشور و استان و شهرستان اصفهان به قرار ذیل بوده است (سایت مرکز آمار)

کشور	استان اصفهان	شهرستان اصفهان	
۷۶،۹۴۲	۴،۹۶۵	۲،۲۱۲	برآورد جمعیت (به هزار نفر)
۱۳۸۵۲۶	۸۰۱۱	۴۵۷۷	تعداد تخت بیمارستانی

آمارهای فوق نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. در شهرستان اصفهان به ازای هر ده هزار نفر، حدود ۲۱ تخت فعال وجود دارد و در استان اصفهان این عدد ۱۶ و در کشور ۱۸ می‌باشد. درحالی‌که بر اساس آماری در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، میانگین جهانی تعداد تخت‌های بیمارستانی به ازای هر ده هزار نفر ۲۶ تخت و در کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا (هم‌سطح درآمدی با کشور ایران)، ۳۹ تخت و در کشورهای پردرآمد ۵۶ تخت بوده است. بنابراین، هرچند وضعیت شهرستان اصفهان نسبت به میانگین کشور خوب است، اما تا رسیدن به میانگین جهانی نیاز به ۱۱۷۴ تخت، و تا رسیدن به کشورهای هم‌سطح درآمدی نیاز به ۴۰۵۰ تخت بیمارستانی می‌باشد. ضمناً این نکته را نیز باید مدنظر داشت که معمولاً مراکز استان وضعیت بهتری دارند و در مواردی تأمین‌کننده نیازهای استان نیز می‌باشند و از طرفی وضعیت استان اصفهان پایین‌تر از میانگین کشوری است.

۲. بیمارستان‌های زیرنظر سازمان‌های خیریه در شهرستان اصفهان (چهار بیمارستان اول / سامانه آواب) با داشتن ۳۶۸ تخت، هشت درصد تخت‌های بیمارستانی موجود را تأمین نموده‌اند. این در حالی است که بیمارستان امیرالمؤمنین نیز توسط مرحوم عبدالرسول رحسیم‌زاده به منظور انجام خدمات درمانی بیماران بی‌بضاعت بنیان‌گذاری گردیده است و هم‌اکنون در جهت خدمت‌رسانی به جانبازان جنگ تحمیلی و سایر اقشار

زمانی که ایمان و تقوای انسان‌ها افزایش یافت، همه موقوفات از جمله موقوفات با کارکرد آموزش، اشتغال و درمان نیز به تبع آن افزایش خواهد یافت و از این طریق نیز در توانمندسازی نیازمندان مؤثر خواهد بود.

شاید به همین جهت باشد که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف: ۹۶)؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

در موقوفات فرهنگی، اولین مسجد در اصفهان «مسجد شعیا» می‌باشد که یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل به نام «شعیا نبی» در این مکان مقدس مدفون گردید (حر، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱). همچنین مجالس قرائت قرآن و تفسیر آیات الهی و اختصاص حجره‌ای برای پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی، تشکیل مدارس دینی، وقف‌خانه‌ها برای سکونت زوار و طلاب، برگزاری هیئت‌های مذهبی و سوگواری و مرثی و همچنین حضور و امامت جماعت شخصیت‌های مؤثر و مهم مذهبی که منشأ آثار و برکات فرهنگی زیادی از جمله تدریس و تألیف منابع دینی زیادی در امامزاده شدند نیز از دیگر کارکردهای فرهنگی و برکات امامزاده اسماعیل می‌باشد (همان، ص ۱۶۴-۱۶۶).

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، استان اصفهان دارای ۴۴۳۱ مسجد، ۶۲ نمازخانه، ۷۳۹ حسینیه و ۵۱۸ زیارتگاه و امامزاده بوده است، درحالی‌که شهرستان اصفهان دارای ۲۰/۱ درصد مساجد استان (حدود ۸۹۰)، ۱۷/۵ درصد حسینیه‌ها و ۴۲/۱ درصد امامزاده‌ها (حدود ۲۲۰) می‌باشد (ویکی اطلس فرهنگی).

اغلب مساجد بازار اصفهان دارای موقوفاتی است که در طول تاریخ به بقا و پایداری آنها کمک کرده است؛ مثلاً، مسجد امام ۱۳۰ رقبه دارد که ۲۸ رقبه آن مغازه و انبار

یعنی همان تقرب الی‌الله است. از دیدگاه آیات و روایات، انفاقات مالی، برای رسیدن به این هدف نهایی نقشی بس عظیم و اساسی دارند. رشد موقوفات عبادی و فرهنگی، موجب رشد سجایای اخلاقی و ایمان جامعه می‌گردد. رشد وقف، تزکیه واقفان را نیز نتیجه خواهد داد و در نتیجه، برای اعطاکننده و واقف به مانند هرس کردن درخت از اضافات است که او را در مسیر رسیدن به هدف نهایی‌اش یاری می‌رساند (حائری، ۱۳۸۰، ص ۴۱۱-۴۱۳). با ارتقای ایمان و تقوا، فرد خود را مسئول در برابر خدا می‌داند و در نتیجه، در زمینه وقت و کار خود حساس می‌شود و از فرصت‌های خویش به نحو بهینه بهره‌برداری می‌نماید.

همچنین وقف فرهنگی تزریق آگاهی به انسان‌های محرومی است که به خاطر محرومیت، اسیر قفس جهالت مانده‌اند. وقف فرهنگی فروزان کردن مشعل نور در تاریکی جهالت انسان‌هاست؛ جهالتی که به مانند زنجیر، تفکر را اسیر خویش نگه داشته است. انسان‌هایی که نهادهای فرهنگی را به جامعه وقف می‌کنند. در واقع، با وقف نهاد فرهنگی به جامعه، اندیشه را به جامعه اهدا نموده‌اند و علاوه بر نجات جامعه، یاد نیک خویش را تضمین نموده‌اند (نوی وقف، ۱۳۸۷).

از طرفی دیگر، با ارتقای ایمان، فسادهای ناشی از فقر کاهش یافته و از انحرافات و کج‌روی‌ها و فسادهای بسیاری که معمولاً از فقر دامن‌گیر انسان‌ها می‌شود پیش‌گیری و در نتیجه، مانعی از موانع توانمندسازی از سر راه آنان برداشته خواهد شد. از دیگر سو، فکر و ذهنی که نور ایمان در آن بتابد، کارایی آن برکت خواهد یافت. با توجه به این جهات و جهاتی دیگر، موقوفاتی را که در ارتقای سطح ایمان مردم نقش دارند نیز می‌توان در راستای تکافل و توانمندسازی دانست. از جهتی دیگر،

موقوفات است. امید است که شاهد استفاده از این ظرفیت نیز در زمینه تکافل نیازمندان و رفع مشکلات اقشار آسیب‌پذیر جامعه باشیم.

نمونه‌ای از این موقوفات قسمتی از عرصه فعلی بیمارستان سیدالشهداء اصفهان می‌باشد که بر اساس وقف‌نامه ۱۳۰۹ق وقف بر مصارف عام گردیده که با عنایت به نیاز جامعه به احداث بیمارستانی خاص برای بیماران سرطانی، در اختیار مرکز بهداشت و درمان قرار گرفته است تا در جهت خدمت‌رسانی به این بیماران خاص مورد بهره‌برداری قرار گیرد (راز ماندگاری، ۱۳۹۲الف).

با اجرای صحیح اوقاف تکافلی، فقر و تهی‌دستی و به عبارت دیگر، فاصله طبقاتی، که دامن‌گیر دنیای قرن اخیر شده است، کمتر می‌شود. این حرکت خیرخواهانه اقتصادی و اجتماعی به وسیله خود مردم و به صورت خودجوش و بدون در نظر گرفتن قوانین دست‌وپاگیر صورت می‌گیرد و چنین حرکاتی بار مالی تأمین اجتماعی را از دوش دولت‌ها می‌کاهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی تاریخچه موقوفات تکافلی روشن شد که موقوفات تکافلی و حتی موقوفات تکافلی توانمندساز در اصفهان در برخی از دوره‌ها مانند دوره دیلمیان، سلاجقه و بخصوص صفویان، مورد توجه فراوان بوده است.

در بیان نقش وقف در تکافل اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی، سه محور از کارکردهای وقف را در توانمندسازی مؤثر دانستیم که نتایج هر یک به شرح ذیل می‌باشد:

۱. موقوفات آموزشی با افزایش علم و مهارت انسان‌ها، توانایی آنها را افزایش می‌دهد و استعدادها را در رفع مشکلات خویش شکوفا نموده و در نتیجه، در تکافل اجتماع از جمله نیازمندان نقش بسزایی

است که در بازار قرار دارد. و مسجد آقانور دارای ۱۱۹ رقبه بوده که تنها دو باب مغازه و انبار در بازارچه دردشت دارد (ر.ک: شفقی، ۱۳۸۱، ص ۴۹).

در جدیدترین آمار در سال ۱۳۹۳، استان اصفهان با چهار هزار و ۵۰۰ مسجد، یک هزار حسینی (ده مسجد و دو حسینی به ازای هر ده هزار نفر) (اداره کل اوقاف استان اصفهان، ۱۳۹۳، ش ۴۲؛ سایت مرکز آمار، ۱۳۹۲)، ۷۱۸ امام‌زاده و بقعه متبرکه (حدود ۸ درصد امام‌زادگان کشور) و جایگاه سومی از نظر تعداد بقاع متبرکه، یکی از استان‌های مطرح کشور در بحث وقف به‌شمار می‌رود (اداره کل اوقاف استان اصفهان، ۱۳۹۳، ش ۴۵). شهرستان اصفهان نیز با دارا بودن ۱۴۷ بقعه متبرکه (شهریان، ۱۳۹۲) قابلیت فرهنگی بالایی را داراست که باید از این ظرفیت به نحو احسن استفاده گردد. حال اگر از این ظرفیت بزرگ فرهنگی در کشور به نحو بهینه استفاده شود، چه بسیار می‌تواند مفید باشد.

موقوفات عام قابل تبدیل به جهت تکافل

برخی از موقوفات در کشور وجود دارند که موقوفه‌ای عام محسوب می‌گردند؛ بدین معنا که واقف یا اجازة مصرف آن را به صلاح‌دید سازمان و یا متولی خاص آن واگذار نموده و یا اینکه عنوان مصرف آن را آن‌قدر وسیع گرفته است که قابل استفاده در امور مختلف می‌باشد. با توجه به اهمیت غیرقابل انکار کمک به نیازمندان و از طرفی، تأثیر انکارناپذیر موقوفات تکافلی بر رفع مشکلات نیازمندان، ضرورت استفاده از چنین موقوفاتی در امر تکافل آشکار می‌گردد.

بررسی میزان موقوفات عام در اصفهان و امکان یا عدم امکان تبدیل آن به مصارف تکافلی، یکی از برنامه‌های بسیار مهم برای دست‌اندرکاران وقف و

دارد. دست کم ده درصد بار خدمات بهداشتی جامعه اصفهان را وقف به دوش می‌کشد. این در حالی است که اخیراً فعالیت‌های جالب توجه دیگری با استفاده از اوراق وقف در سازمان اوقاف در این زمینه آغاز گردیده است. اما همچنان نیاز درمانی به موقوفات بسیار زیاد است؛ زیرا اولاً، بنا بر آمار، درصد اشغال تخت در خیریه‌ها نزدیک به ۱۰۰ درصد است و ثانیاً، تا رسیدن به کشورهای هم‌سطح درآمدی در شهرستان اصفهان نیاز به ۴۰۵۰ تخت بیمارستانی می‌باشد.

همچنین روشن گردید که در زمینه موقوفات اشتغال‌زا و درمانی، نیاز، بیش از مقداری است که تاکنون به وسیله وقف صورت پذیرفته است. بسیاری از موقوفات مخروبه موجود با استفاده از چهار طریقی که موقوفات را از آن طرق، اشتغال‌آفرین دانستیم، قابل بهره‌برداری در زمینه اشتغال و کارآفرینی است. نمونه آن، بازارچه روز است که شرح آن در بخش «موقوفات اشتغالی اصفهان» گذشت. از جمله پیشنهادها نیز این است که با توجه به نیازهای هر استان، اوراق وقف را منتشر و مردم استان را در یاری رساندن به هم‌استانی‌های خویش بسیج نماییم. همچنین شناسایی موقوفات عام و استفاده از آنها در تکافل اجتماعی نیازمندان و کاهش فقر و فاصله طبقاتی از این طریق، یکی از نیازهای ضروری جامعه امروزی است. نیز موقوفات عبادی و فرهنگی را از جمله موقوفاتی دانستیم که به صورت غیرمستقیم در تکافل اجتماعی مؤثر است. با توجه به آمار فراوان موقوفات عبادی و فرهنگی در اصفهان (به ازای هر ده هزار نفر در استان، ده مسجد و دو حسینیه، همچنین دربر داشتن ۸۰ درصد بقاع متبرکه کشور و جایگاه سومی کشور در این زمینه)، ظرفیت بزرگی پیش‌روی مسئولان امر است که باید به نحو احسن از این ظرفیت در راستای تکافل و توانمندسازی نیازمندان استفاده شود.

خواهد داشت. بخصوص اگر با روش‌هایی، افراد نیازمند شناسایی شوند و اوقاف آموزشی فقط در اختیار آنها قرار گیرد. آمارهای اصفهان نشان از فراوانی اوقاف علمی و آموزشی (۱۳ درصد مدارس شهرستان اصفهان) می‌دهد، اما همچنان به همت والای نیکوکاران بخصوص در رفع مشکل کمبود فضا و امکانات آموزشی کشور به‌ویژه در مناطق محروم و کمتر برخوردار و نیز در جهت مدارس آموزش حرفه‌ای (زیرا توانمندسازی در این‌گونه مدارس بیشتر است) نیاز مبرم است.

۲. اگر سرمایه عظیم اوقاف در مسیر فعالیت‌های گوناگون اقتصادی به کار گرفته شود، بخش قابل توجهی از بیکاران کشور به کار جذب خواهند شد و این از آثار و برکات بسیار مهمی است که امروزه در دنیا به شدت قابل توجه است. وقف از چهار طریق اشتغال‌آفرین است. دولت‌ها نیز در این زمینه می‌توانند با استفاده از ابزارهایی از جمله وقف، بخشی از وظیفه قانونی خویش در اشتغال را به انجام رسانند.

۳. بهداشت و درمان یکی از نیازهای ضروری هر جامعه‌ای است و نقش بسیار در رشد و شکوفایی جامعه دارد. غالباً بیماری‌های بزرگ افراد، توانمندی نیروی کار را از بین می‌برد؛ از این رو، رفع بیماری آنان یکی از موارد توانمندسازی محسوب خواهد شد. بنابراین، وقف در این زمینه را می‌توان یکی از مصادیق وقف در زمینه توانمندسازی و برگرداندن یک نیروی فعال به جامعه قلمداد نمود. تاریخچه عظیم موقوفات بهداشتی و کارنامه درخشان وقف در این حوزه این نوید را به ما می‌دهد که از طریق گسترش موقوفات و هدایت آنها، می‌توان بسیاری از نیازهای درمانی جامعه را تأمین نمود و یا دست کم از فشار آنها بر بودجه کشور کاست. آمارها نشان از ظرفیت بالای موقوفات برای بهره‌برداری در این زمینه

شفقی، سیروس، ۱۳۷۶، «وقف در اصفهان، پراکنندگی جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۹-۲۰، ص ۳۲-۴۷.

شهابی، علی اکبر، ۱۳۴۳، **تاریخچه وقف در اسلام**، تهران، دانشگاه تهران.

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۱۷ق، **اقتصادنا**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

عسکری، قاسم، ۱۳۹۰، **جایگاه وقف در فرایند توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.

عیسی یک، احمد، ۱۳۷۱، **تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام**، ترجمه نورالله کسائی، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.

کائینی، محمدرضا، ۱۳۹۱، «پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تاریخ تمدن اسلامی»، **وقف میراث جاویدان**، ش ۷۹، ص ۶۷-۱۰۰.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، **الکافی**، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

لیونینگستون، آرتور، ۱۳۶۸، **سیاست اجتماعی در کشورهای در حال توسعه**، ترجمه حسین عظیمی، تهران، وزارت برنامه و بودجه.

مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد، بی تا، **محاسن اصفهان**، تهران، مجلس.

مطبعه چی اصفهانی، سیدمصطفی، ۱۳۹۲، **وقف کارآمد**، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

معراجی، سعید، ۱۳۸۵، **وقف سنت ماندگار**، تهران، صائین.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مهدوی، مصلح‌الدین، ۱۳۸۶، **اصفهان دارالعلم شرق**، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.

نوی وقف (ماهنامه داخلی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه)، ۱۳۸۷، ش ۴.

وکیلیان، منوچهر، ۱۳۷۶، **تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران**، چ پنجم، تهران، دانشگاه پیام نور.

ویکی اطلس فرهنگی ایران، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، <http://af.samta.ir>

منابع

آوی، حسین بن محمد، ۱۳۸۵، **ترجمه محاسن اصفهان**، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.

اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان، ۱۳۹۲-۱۳۹۳، **احسان ماندگار** (ماهنامه داخلی اداره کل اوقاف)، ش ۳۹-۴۵، ص ۴-۱.

اریاب، محمدمهدی بن محمدرضا، ۱۳۶۸، **نصف جهان فی تعریف اصفهان**، چ دوم، تهران، امیرکبیر.

انگلیت، کمپفر، ۱۳۶۰، **سفرنامه کمپفر**، ترجمه کیکاووس جهانداری، چ دوم، تهران، خوارزمی.

جابری انصاری، میرزاحسن خان، ۱۳۲۱، **تاریخ اصفهان و ری**، اصفهان، بی تا.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، «چهارمین همایش سراسری وقف و امور خیریه»، **وقف میراث جاویدان**، ش ۳۰، ص ۴-۱۹.

جمل، احمدمحمدعبدالعظیم، ۲۰۰۶، **دور نظام الوقف الاسلامی فی التنمية الاقتصادية المعاصرة**، قاهره، دارالاسلام.

جناب، میرسیدعلی، ۱۳۷۱، **الاصفهان**، چ دوم، اصفهان، گل‌ها.

حائری، محمدحسن، ۱۳۸۰، **وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

حر، سیدحسین، ۱۳۹۲، «نگرشی بر زندگی نامه امامزاده اسماعیل در اصفهان و بررسی کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، هنری و معنوی آن»، **وقف میراث جاویدان**، ش ۸۳، ص ۱۴۵-۱۷۴.

سایت مرکز آمار ایران (سالنامه‌های آماری کشور و اصفهان)، www.amar.org.ir

سینتا، عبدالحسین، ۱۳۴۶، **تاریخچه اوقاف اصفهان**، اصفهان، اداره کل اوقاف استان اصفهان.

سلگی، محمد، ۱۳۷۲، «آموزش و پرورش، فرهنگ و توسعه»، **وقف میراث جاویدان**، ش ۳، ص ۷۳-۸۵.

سلیمی فر، مصطفی، ۱۳۷۰، **نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)، ۱۳۹۳/۶/۲۹، ابلاغی مقام معظم رهبری.

شاردن، ژان، ۱۳۷۲، **سفرنامه شاردن**، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.

شفقی، سیروس، ۱۳۸۱، «عناصر بازار اصفهان و موقوفات آن»، **وقف میراث جاویدان**، ش ۳۸، ص ۴۵-۶۶.